



اظهار نظر مجمع شورتی حقوقی

در خصوص:

– طرح استفساریه تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات
استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی

– طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد
جمهوری اسلامی ایران

– لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی
پاکستان

– لایحه تعیین حریم حفاظتی – امنیتی اماکن و
تأسیسات کشور

کد گزارش: ۹۳۰۱۰۰۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۰۱/۲۶

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

موضوع:

گزارش کارشناسی در خصوص

- طرح استفساریه تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات
استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی
- طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری
اسلامی ایران
- لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری
اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان
- لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

تهیه کننده: پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۳۰۱۰۰۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۳/۰۱/۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح استفساریه تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی

مقدمه

«طرح استفساریه تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی» در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۲ اعلام وصول و جهت بررسی به کمیسیون اجتماعی به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شد. طرح مزبور نهایتاً با اصلاحاتی جزئی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در راستای اجرای اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال گردید.

تبیین و اظهار نظر نظر مشورتی

موضوع استفساریه طرح حاضر که در قالب استفساریه تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مطرح شده است، این است که «... چنانچه جانباز در پست مدیریتی یا سایر عناوین شغلی که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی باشد، خدمت نموده آیا ایجاد پست هم‌تراز باید همسطح همان پست شغل قبلی وی باشد؟ و اگر جانباز مدتی در پست سازمانی (اعم از مدیریت یا سایر عناوین شغلی) در محل مأموریت خدمت کرده باشد، آیا ایجاد پست هم‌تراز با دستگاه متبوع اصلی و هم‌تراز پست مأموریت خواهد بود؟»

مجلس در پاسخ به این موضوع به هر دو موضوع به صورت یکجا پاسخ داده و مقرر داشته: «بلی باید پست سازمان ستاره دار هم‌تراز همان شغلی که

خدمت نموده ایجاد شود و ایجاد پست هم‌طراز برای مأموران با دستگاه متبوع اصلی مستخدم است.»

در خصوص اینکه آیا استفساریه حاضر صرفاً در مقام رفع ابهام تبصره مزبور بوده و یا به نوعی منجر به توسعه قانون شده است دو نظر مطرح گردید که در این گزارش در قالب نظر اول و دوم به آن خواهیم پرداخت.

نظر اول

مطابق تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ «دستگاه‌های مشمول این قانون موظفند نسبت به ایجاد پست (شغل) سازمانی هم‌طراز جانباز جهت اشتغال جانبازانی که توانایی انجام کار تمام وقت را ندارند یا به خدمت اعاده یا به استخدام پذیرفته می‌شوند با تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور یا مراجع ذی صلاح مربوط اقدام نمایند.»

بنابراین موضوع این تبصره، ایجاد پست (شغل) سازمانی هم‌طراز جانباز جهت اشتغال جانبازانی است که در یکی از سه حالت ذیل قرار می‌گیرند:

۱- توانایی انجام کار تمام وقت را ندارند.

این موضوع مربوط به صدر ماده (۹) قانون مذکور است که مقرر داشته «میزان ساعات کار کلیه جانبازان با توجه به نوع و درصد جانبازی و کاهش توانایی آنان به موجب آئین‌نامه ای است که به ... تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

۲- به خدمت اعاده می‌شوند.

این حالت نیز ناظر به ماده (۴) قانون مزبور می‌باشد که مقرر داشته «دستگاه‌های مشمول این قانون مکلفند حسب درخواست جانبازانی که تا تصویب این قانون در خدمت دستگاه بوده اند فقط برای یک بار نسبت به اعاده به خدمت آنان اقدام نمایند.»

۳- به استخدام پذیرفته می‌شوند.

این وضعیت نیز مربوط به زمانی است که جانباز به خدمت دستگاه پذیرفته می‌شود. در این خصوص قانون فوق‌الاشعار به منظور تأمین اهداف این قانون شرایط خاصی را لحاظ نموده است. نظیر مواد (۵) و (۶) این قانون که در بردارنده احکام خاصی جهت اشتغال جانبازان می‌باشد.

لذا با توجه به حالات مورد اشاره در تبصره «۳» ماده (۹)، به نظر می‌رسد موضوع استفساریه حاضر که عبارت است از؛ ۱- جانباز در پست مدیریتی یا سایر عناوین شغلی که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی باشد، خدمت نموده است ۲- جانباز مدتی در پست سازمانی (اعم از مدیریت یا سایر عناوین شغلی) در محل مأموریت خدمت کرده باشد، از این تبصره خروج موضوعی داشته و از مفاد مقرر در این تبصره موضوع استفساریه قابل برداشت نیست و به عبارت دیگر تبصره «۳» ماده (۹) در خصوص این موضوعات ساکت است و نمی‌توان از تبصره موجود چنین برداشتی نمود.

همچنین در خصوص قسمت دوم موضوع استفساریه این توضیح نیز قابل ذکر است که قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی صرفاً در ماده (۱۲) خود به «مأموریت آموزشی» اشاره دارد و به سایر مأموریت‌ها (مأموریت اداری، روزانه و...) اشاره ای ندارد. بر اساس این ماده «به منظور ارتقای سطح دانش و آمادگی جانبازان جهت تصدی مشاغل مناسب، کلیه دستگاه‌های مشمول این قانون مکلفند ضمن فراهم آوردن امکانات لازم برای آموزش‌های کوتاه مدت، با ادامه تحصیل جانبازانی که در استخدام دارند تا پایان تحصیلات دانشگاهی به صورت مأموریت آموزشی تمام وقت یا نیمه وقت موافقت نمایند. جانبازان یادشده از کلیه حقوق و مزایای مربوط بهره مند خواهند شد. نحوه اجرای این ماده به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد مشترک بنیاد

با موافقت ولی فقیه یا نماینده مأذون از طرف ایشان سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آئین‌نامه مزبور نیز در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. بر اساس ماده (۴) این آئین‌نامه «پست سازمانی مستخدمان جانباز تا اتمام مأموریت آموزشی حفظ خواهد شد. در صورتی که حفظ پست سازمانی میسر نباشد، دستگاه مکلف به اختصاص پست هم‌تراز برابر مفاد بند «د» ماده (۲) قانون خواهد بود.»

لذا برای سایر حالات مأموریت جانبازان باید به قوانین دیگر مراجعه نمود که در این خصوص قانون مدیریت خدمات کشوری ضمن شناسایی حالت مأموریت در ماده (۱۲۰)، در ماده (۱۲۱) خود نحوه مأموریت کارمندان مشمول این قانون به سایر دستگاههای اجرائی را به آئین‌نامه هیأت وزیران محول نموده است. بر اساس این آئین‌نامه نیز احکام مربوط به مدت و پرداخت و نحوه حفظ پست سازمانی مستخدم مأمور مشخص شده است و در مورد مأموریت جانبازان (به جز مأموریت آزمایشی که در قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی پیش بینی شده است) و حفظ پست سازمانی آنها نیز جاری است.

بنابراین با توجه به توضیحات فوق الذکر به نظر می‌رسد موضوع استفساریه حاضر از حکم تبصره «۳» ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان خروج موضوعی داشته و در نتیجه موجب توسعه قانون می‌باشد و از این جهت با توجه به نظر تفسیری شورای نگهبان به شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ درباره اصل ۷۳ قانون اساسی مغایر این اصل از قانون اساسی است.

لازم به ذکر است بر فرض تقدیم موضوع استفساریه حاضر به صورت طرح مستقل با توجه به اینکه دستگاه متبوع جانباز را ملزم به ایجاد پست هم‌تراز جدید می‌نماید واجد بار مالی بوده و در نتیجه مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

نظر دوم

مطابق این نظر، استفساریه حاضر چیزی فراتر از حکم مقرر در تبصره «۳» ماده (۹) پیش بینی ننموده است. توضیح آنکه تبصره مزبور به تکلیف دستگاه‌های مشمول جهت ایجاد پست سازمانی هم‌تراز در حالات خاصی اشاره داشته است و موضوع استفساریه نیز مربوط به پست هم‌تراز است. بدین صورت که اگر جانباز در حالاتی که مورد نظر استفساریه است قرار داشته باشد و متعاقباً یکی از حالات مقرر در تبصره «۳» ماده (۹) برای وی پیش آید بر اساس حکم مقرر در این تبصره مشمول حالات این تبصره خواهد بود و لذا دستگاه مکلف به ایجاد پست هم‌تراز شغلی است که در آن خدمت نموده است.

به عنوان مثال می‌توان این حالت را تصور نمود که جانباز در پست مدیریتی یا مأموریت در حال خدمت باشد (از حالات موضوع استفساریه) و متعاقباً توانایی انجام کار تمام وقت را از دست بدهد (یکی از حالات موضوع تبصره «۳»)، در این صورت باید بر اساس حکم مذکور در تبصره «۳» ماده (۹) دستگاه متبوع مستخدم نسبت به ایجاد پست هم‌تراز جانباز اقدام نماید.

همچنین استدلال دیگری که در این خصوص مطرح می‌شود این است که تبصره مورد نظر در خصوص حالات مورد نظر استفساریه ساکت است و سکوت قانون موجب ابهام حکم تبصره در خصوص موضوع استفساریه شده و لذا استفساریه در مقام رفع ابهام از قانون می‌باشد و صحیح است.

بنابراین بر اساس این نظر با توجه به اینکه موضوع مورد نظر استفساریه در واقع ناظر به همان حالاتی است که در تبصره «۳» وجود دارد، فاقد ایراد بوده و موجب رفع ابهام موجود است و حکم موجود در تبصره «۳» ماده (۹) قانون را توسعه نداده است.

طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

«طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» که با عنوان «طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۷ و الحاق موادی به آن» به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۶ اعلام وصول و جهت بررسی به کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شد. طرح مزبور نهایتاً با اصلاحاتی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۸ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال گردید. لیکن شورای نگهبان مصوبه مزبور را در دو بند مغایر با شرع و قانون اساسی تشخیص داد و لذا طرح مذکور جهت رفع این ایرادات به مجلس شورای اسلامی اعاده گردید. مجلس شورای اسلامی نیز به منظور رفع ایرادات شورای نگهبان در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ طرح مزبور را با اصلاحاتی به تصویب رساند که در این گزارش به بررسی مصوبه مجلس در خصوص اصلاحات صورت گرفته و همچنین به آن دسته از مواردی که به نظر می‌رسد همچنان مصوبه مجلس واجد ایراد می‌باشد خواهیم پرداخت.

اظهار نظر مشورتی

۱. شورای نگهبان در بند «۱» از ایرادات خود، ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۳۸) اصلاحی قانون که متضمن حذف بندهای «۲» و «۵» ماده اخیرالذکر بود را، خلاف موازین شرع شناخت.

توضیح آنکه بندهای «۲» و «۵» ماده مزبور «ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی تعهد عملی به دین خود)» و «عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم بر ضد امنیت و جعل اسناد» را از شرایط اعضاء هیأت مدیره، مدیرعامل و بازرسان محسوب نموده بود که با مصوبه مجلس این شرایط حذف می‌گردید.

مجلس شورای اسلامی جهت رفع این ایراد اقدام به اصلاح این ماده و درج بندهای مورد اشاره در ماده اصلاحی خود نمود. بنابراین به نظر می‌رسد مغایرت مورد نظر شورا برطرف شده است.

البته لازم به تذکر است همانگونه که در بند «۲» ماده (۳۸) قانون فعلی مشاهده می‌شود، در این بند به «ایمان و تعهد عملی به اسلام» تصریح شده است. در حالیکه در مصوبه اصلاحی، «ایمان و تعهد به اسلام» ذکر شده است و قید «عملی» حذف گردیده است، که این امر نیز به دلیل اینکه اطلاق «ایمان و تعهد به اسلام» اعم از ایمان و تعهد عملی و غیر آن (نظیر ایمان و تعهد زبانی) را در بر می‌گیرد فاقد ایراد به نظر می‌رسد.

۲. مطابق بند «۲» ایرادات شورای نگهبان، باتوجه به اینکه ماده (۷۵) الحاقی در مقام اصلاح وظایف و اختیارات شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مندرج در ماده (۴۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده، به استناد نظر تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ این شورا،^(۱) مغایر با اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.

مجلس شورای اسلامی جهت رفع این ایراد در مصوبه اصلاحی خود (ماده ۷۵ الحاقی) شورای عالی مذکور و وظیفه ای که برای این شورا پیش بینی نموده بود را حذف نمود و از این طریق از اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام خودداری نموده است. لازم به ذکر است که اگرچه مصوبه اصلاحی مجلس به ماده (۱۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اشاره داشته است و برخی از بندهای این ماده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، ولیکن با توجه به اینکه ماده اصلاحی صرفاً به وظیفه وزارت امور اقتصاد و دارایی در تسهیل و واگذاری به تعاونی‌ها در راستای اجرای ماده (۱۹) اشاره داشته و متعرض نحوه و ترتیب مذکور در ماده (۱۹) نشده است فاقد ایراد است.

۱. نظر تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان:

هیچ‌یک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.

۳. علاوه بر دو ایراد فوق، شورای نگهبان در یک بند در خصوص لزوم تغییر عبارت «قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ و اصلاحیه‌های بعدی آن» به عبارت «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴» در ماده (۵) مصوبه موضوع اصلاح ماده (۳۸) قانون تذکر داده بود که باتوجه به اصلاح این ماده و حذف عبارت فوق‌الذکر از آن، این تذکر نیز برطرف گردیده است.

لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان

مقدمه

«لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان» که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۸ اعلام وصول و جهت بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی» ارجاع شد. طرح مذکور نهایتاً در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسید و جهت انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال گردید.

اظهار نظر مشورتی

ایراد کلی به مصوبه:

از آنجایی که زمینه‌های همکاری این موافقتنامه، شامل مواردی از جمله پیشگیری و مقابله یا مبارزه با برخی از جرائم سازمان یافته و تروریستی و بطور کلی «جلوگیری و شناسایی متهمان» بیان شده است؛ و عطف نظر به اینکه این موارد از جمله مصادیق بندهای (۴) و (۵) اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشند که کشف جرم و تعقیب مجرمین و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است. لذا زمینه‌های همکاری مقرر در این موافقتنامه غالباً در زمره صلاحیت‌های قوه قضائیه بوده و با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان،^(۱) امکان تهیه

۱. «۱- فرق لوایح قضائی و غیر قضائی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضائی را فصل یازدهم قانون اساسی بویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضائی معین می‌کند.

لوايح قضايی از طرف هیأت دولت در این موارد وجود ندارد. در صورتی که منظور قانونگذار در صدر این موافقتنامه از واژه «متهمان» همان «مظنونان» باشد و مجلس اقدام به اصلاح این واژه کند، تعیین شناسایی مظنونان برای دولت از آنجایی که از طرق اطلاعاتی و امنیتی ممکن و مقدور است، مغایرتی با صلاحیت‌های قوه قضاییه نمی‌یابد.

از جمله موادی که مشمول موضوع این ایراد می‌باشند و به عبارتی ماهیت قضایی دارند می‌توان به مواد (۱)، بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۷)، (۸) و (۱۰) ماده (۲) و همچنین ماده (۳) استناد کرد.

مقدمه موافقتنامه

در مقدمه موافقتنامه حاضر برخی از معاهدات و کنوانسیون‌ها مورد اشاره واقع شده است. در خصوص این موارد نکات ذیل قابل تأمل می‌باشد:

۱- در مقدمه این موافقتنامه اشاره به توسعه همکاری‌ها در موضوعات مورد اشاره و با تأکید بر مفاد «معاهده واحد مربوط به مواد مخدر مورخ ۱۳۴۰ هجری شمسی» شده است. هرچند زمان انعقاد این معاهده مربوط به قبل از انقلاب اسلامی می‌باشد اما مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۴ قانون «الحاق جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اصلاحی معاهده واحد مواد مخدر سال ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۱۳۴۰ هجری شمسی» را به تصویب رساند که در برگیرنده اصلاحاتی بر معاهده مذکور می‌باشد. بنابراین با توجه به تصویب

۲- هیأت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضائی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳- لوايح قضائی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هر گونه تغییر مربوط به امور قضائی در این گونه لوايح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.»

پروتکل اصلاحی توسط مجلس و تأیید شورای نگهبان، اصل این معاهده پیشتر به رسمیت شناخته شده است.

۲- با توجه به اینکه «کنوانسیون مواد روانگردان مورخ ۱۳۴۹ هجری شمسی» در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۲۶ و «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روانگردان» در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، و در هر دو مورد به موجب نظر شورای نگهبان مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشدند، تأکید بر توسعه همکاری‌ها بر طبق مفاد این کنوانسیون‌ها نیازمند نظارت مجدد شورای نگهبان نمی‌باشد.

۳- به موجب ذیل مقدمه این موافقتنامه اسناد حقوقی که در زمینه همکاری‌های امنیتی بین طرفهای متعاقد منعقد گردیده، مورد احترام و رسمیت قرار گرفته است و به عنوان نمونه به برخی از این اسناد اشاره نموده است.

در این میان «عهدنامه استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰» و نیز «قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰» قبل از انقلاب اسلامی به تصویب مجلس شورا رسیده‌اند و ممکن است حاوی مفادی مغایر با موازین شرع و قانون اساسی باشند. لذا با توجه به اینکه بر اساس موافقتنامه حاضر این موارد نیز به رسمیت شناخته می‌شود لازم است که این معاهدات نیز جهت اعلام نظر شورای نگهبان به این نهاد ارسال شوند.

تذکر: با توجه به بررسی‌های انجام شده، عناوینی تحت عنوان «پروتکل در خصوص کمیسیون مشترک مرزی مورخ ۱۳۶۶/۹/۳۱» و «یادداشت تفاهم مورخ ۱۳۶۸/۸/۳۰» یافت نگردید.

ماده (۱)

اتفاق بند «۵» این ماده از این جهت که ممکن است انجام بسیاری از فعالیت‌های علمی، امنیتی و نظامی کشور را محدود کند مغایر با اصول (۱۵۲) و

۱۵۳) قانون اساسی مبنی بر لزوم تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی و ممنوعیت انعقاد هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه شود می‌باشد.

لازم به ذکر است که در برخی از مصادیق همچون هسته‌ای یا موشکی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به موجب حکم مقرر در ماده (۴) این معاهده که به طرفین حق امتناع از همکاری را داده، از اجرای درخواست طرف مقابل خودداری نماید.

تذکر: واژه «جلوگیری» در عبارت صدر این ماده واجد ابهام است. چراکه ترکیب این واژه با واژه «متهمان» در عبارت «از طریق جلوگیری و شناسایی متهمان» فاقد مفهوم مشخصی می‌باشد.

ماده (۲)

تذکر: بند «۸» این ماده به تبادل کارشناسان متخصص اشاره نموده است. در صورتی که تبادل کارشناس شامل استخدام کارشناسان خارجی نیز بشود، بند مزبور از این جهت که در اصل ۸۲ قانون اساسی استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت را تنها در موارد ضرورت و با تصویب مجلس شورای اسلامی ممکن دانسته است، در خصوص تحقق ضرورت، شبهه مغایرت با اصل ۸۲ قانون اساسی را دارد.

ماده (۷)

بند «پ» این ماده امکان بررسی و به روزکردن این موافقتنامه را برای کارگروه مشترک موضوع این ماده پیش‌بینی کرده است. هرچند شرایط اصلاح این موافقتنامه مشمول موضوع ماده (۹) می‌باشد و به موجب تبصره ماده واحده در اجرای اصلاحات موضوع ماده (۹) رعایت اصل ۷۷ قانون اساسی الزامی است، اما در صورتی که «بررسی و به روزکردن این موافقتنامه» شامل مواردی شود که در واقع اصلاح موافقتنامه به شمار می‌آیند؛ عدم پیش‌بینی رعایت اصل ۷۷ در انجام این اصلاحات مغایر با این اصل قانون اساسی است.

لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

مقدمه

تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور به عنوان یکی از اموری است که برای تأمین هرچه بهتر حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات نظامی، انتظامی، امنیتی و کشوری در شرایط عادی و اضطراری لازم است. این قبیل اقدامات را که تعیین حریم تنها به عنوان یکی از مصادیق آن به شمار می‌آید، امروزه به عنوان پدافند غیرعامل مورد شناسایی قرار می‌دهند و در بُعد نظامی و سایر سازمان‌های کشوری اعمال می‌شود. در خصوص مصوبه حاضر سوابق و موضوعات ذیل قابل توجه می‌باشد.

۱- شورای نگهبان طی نظریه تفسیری شماره ۷۷۵۱ مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۵ ذیل اصل ۱۳۴ قانون اساسی در خصوص سؤالی که نخست وزیر وقت درباره مطابقت تشکیل سازمان دفاع غیرنظامی (پدافند غیرعامل) از نظر ایجاد هماهنگی و سیاستگزاری اقدامات دستگاههای اجرائی و برنامه‌ریزی‌های لازم به منظور انجام پدافند غیرعامل و بسیج امکانات همه دستگاههای اجرائی از شورای نگهبان استعلام می‌نماید اعلام می‌دارد: «نظر به اینکه به موجب اصل ۱۳۴ قانون اساسی هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت و ... از وظایف نخست‌وزیر است همانطور که در نامه شماره ۱۶۱۹ مورخ ۱۳۶۳/۷/۳ اظهار نظر شده است تشکیل سازمانی تحت هر عنوان زیر نظر نخست وزیر صرفاً جهت ایجاد هماهنگی و سیاستگزاری اقدامات دستگاههای اجرایی و برنامه‌ریزی‌های لازم به منظور انجام پدافند غیرعامل و بسیج امکانات دستگاههای اجرایی با قانون اساسی مغایرت ندارد.»

۲- در سال ۱۳۸۳ ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف کرد تا به منظور تقویت بنیه

دفاعی کشور و ارتقاء توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستمهای دفاعی، اقداماتی را در صورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح به انجام برساند. در همین راستا بند «۱۱» این ماده رعایت اصول پدافند غیرعامل در طراحی و اجرای طرحهای حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنائی و ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۱۶۰) این قانون را به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی را از جمله صلاحیت‌های دولت قرار داد.

همچنین به موجب عبارت ذیل این ماده، «آئین‌نامه‌های اجرائی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید و در صورت تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح به مرحله اجراء گذاشته خواهد شد.»

۳- در سال ۱۳۸۴ آیین‌نامه اجرایی بند «۱۱» ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیأت وزیران رسید.^(۱) (در خصوص تأیید این مصوبه توسط مقام معظم رهبری سندی در دست نیست اما به نظر می‌رسد با توجه به اظهارات مسئولین سازمان پدافند غیرعامل و اماراتی که بیان خواهد شد آئین‌نامه مزبور به تأیید ایشان رسیده است.)

۱. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱/۵۵۷۴۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۳۱ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- آیین‌نامه اجرایی بند یاد شده را به شرح ذیل تصویب نمود.

در این آئین‌نامه ابتدا به تعریف برخی از اصطلاحات و عبارات مصطلح در این حوزه پرداخته شد و تقسیم‌بندی مراکز تحت پوشش این آئین‌نامه به (اصلی و حیاتی، مراکز حساس و مراکز مهم) انجام شد.

همچنین به موجب بند «ج» ماده (۱) این آئین‌نامه یک کمیته دائمی برای انجام امور پدافندی تشکیل شد و به موجب بند «د» همین ماده دبیرخانه این کمیته دائمی که با عنوان «دبیرخانه کمیته دائمی پدافند غیرعامل» شناخته می‌شود در ستاد کل نیروهای مسلح تشکیل گردید.

همچنین در بند «ح» این ماده «کمیته دستگاه اجرایی» با عنوان «کمیته‌های پدافند غیرعامل دستگاه‌های اجرایی کشور» با مسئولیت بالاترین مقام دستگاه یا یکی از معاونین وی با اختیارات کافی پیش‌بینی گردید.

ماده (۲) این آئین‌نامه از جمله وظایف و اختیارات کمیته دائمی مقرر در ستاد کل را تصویب ضوابط و دستورالعمل‌های (عمومی و اختصاصی) مرتبط با این آئین‌نامه (بند «۳»)، تعیین مصادیق تأسیسات زیربنایی، ساختمان‌های حساس و شریان‌های اصلی و حیاتی کشور (بند «۴»)، تصویب سطح‌بندی و اولویت‌بندی مراکز تحت پوشش براساس پیشنهاد دستگاه مربوط (بند «۵») و همچنین تصویب طرح‌های پدافند غیرعامل و برآورد اعتبار مورد نیاز آن (بند «۶») معرفی کرده است. تبصره این ماده نیز به کمیته دائمی صلاحیت داده است تا بتواند حسب مورد، تصویب طرح‌های پدافند غیرعامل مراکز مهم را به کمیته پدافند غیرعامل دستگاه‌های مشمول تفویض نماید.

مطابق ماده (۴) این آئین‌نامه نیز، وزارت دفاع صلاحیت پیگیری اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل (بند «۱») و همچنین تهیه گزارش نظارت بر اجرای پدافند غیرعامل دستگاه‌های اجرایی و ارایه آن به کمیته دائمی (بند «۶») را عهده‌دار شد.

همچنین به موجب ماده (۵) این آئین نامه سازمان مدیریت مسئول لحاظ نمودن مصوبات فنی کمیته دائمی در تهیه، تدوین و ابلاغ ضوابط و معیارهای فنی به دستگاه‌های اجرایی شد.

در ماده (۷) این آئین نامه صلاحیت‌های کمیته‌های دستگاه‌های اجرایی در این موارد خلاصه می‌شد:

۱- بررسی و پیشنهاد سطح‌بندی و اولویت‌بندی مراکز دستگاه مربوط
۲- پیگیری تهیه و اجرای طرح پدافند غیرعامل مراکز موجود براساس مصوبات کمیته دائمی و نظام فنی و اجرایی کشور به نحوی که در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- حداقل مراکز حیاتی و حساس کشور ایمن‌سازی شوند.

۳- نظارت بر اعمال ضوابط و مقررات پدافند غیرعامل در طرح‌های دستگاه مربوط» همانطور که روشن است با تصویب این آئین‌نامه و اجرایی شدن آن، مسئولیت اصلی امور پدافندی کشور به صورت متمرکز و از طریق یک کمیته دائمی که در ستاد کل نیروهای مسلح مستقر بود هدایت و اجرا می‌شد و دستگاه‌های اجرایی نیز در چارچوب تصمیمات این کمیته اقدام به فعالیت می‌نمودند.

طبق اطلاعات کسب شده از مسئولین «سازمان پدافند غیرعامل» این کمیته تا زمان مسئولیت آقای داود احمدی‌نژاد به فعالیت خود ادامه می‌داد تا اینکه ایشان اقدام به خارج کردن دستگاه‌های اجرایی از ذیل کمیته دائمی مستقر در ستاد کل نیروهای مسلح کرد و در نتیجه امر پدافند غیرعامل در دستگاه‌های اجرایی و نیروهای نظامی بار دیگر به صورت مجزا اداره شد.

۴- هیأت وزیران در جلسه مورخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۸۷ بنا به پیشنهاد رئیس جمهور و به استناد اصول یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هشتم قانون

اساسی مقرر کرد که کارگروهی متشکل از آقایان فیروزآبادی (رئیس ستاد کل نیروهای مسلح)، مصطفی محمد نجار (وزیر دفاع)، پرویز فتاح (وزیر نیرو)، امیر منصور برقی (معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور)، داوود احمدی نژاد (دبیر کارگروه) و غلامرضا جلالی به عنوان نمایندگان ویژه رئیس جمهور در کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور تعیین شوند. تمام اختیارات هیأت وزیران در امور پدافند غیرعامل و ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳) به اعضای کارگروه یاد شده تفویض شد. (آئین نامه مزبور نیز به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است).

۵- به موجب بند «الف» ماده (۲۱۵) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ پیشنهاد گردید: «طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای جدید در لوایح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف - عناوین، اهداف کمی و اعتبارات طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای جدید با رعایت مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه بر اساس گزارش توجیهی فنی (حجم کار، زمانبندی اجرا)، اقتصادی، مالی و زیست محیطی و رعایت پدافند غیرعامل از سوی مشاور و دستگاه اجرایی پس از تأیید معاونت برای یک بار و به قیمت ثابت سالی که طرح‌های مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می‌گردد به تفکیک سال‌های برنامه و سال‌های بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.»

۶- با ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل» در تاریخ ۸۹/۱۱/۲۹ گام جدیدی در این موضوع رقم خورد. در بند «۳» این سیاست‌ها «طبقه‌بندی مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت به حیاتی، حساس و مهم و

روزآمدکردن آن در صورت لزوم» به عنوان یکی از اقدامات مهم تعیین گردید. همچنین به موجب بند «۴» این سیاست‌ها «تهیه و اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل (با رعایت اصل هزینه - فایده) در مورد مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت (نظامی و غیرنظامی) موجود و در دست اجراء بر اساس اولویت‌بندی و امکانات، حداکثر تا پایان برنامه ششم و تأمین اعتبار مورد نیاز» پیش‌بینی گردید. همچنین مطابق بند «۹» این سیاست‌ها «ممانعت از ایجاد تأسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بردن اینگونه تأسیسات از شهرها و پیش‌بینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از تأسیساتی که وجود آنها الزامی است و ممانعت از ایجاد مراکز جمعیتی در اطراف تأسیسات پرخطر با تعیین حریم لازم» پیش‌بینی شده است. اما مهم‌ترین موضوع در بحث ما بند «۱۳» این سیاست‌ها می‌باشد که بر لزوم «ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه‌ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین‌نامه‌های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها» تأکید دارد.

۷- لازم به ذکر است در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۳ طرحی تحت عنوان «طرح قانون سازمان پدافند غیرعامل کشور» در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول گردید که تاکنون به نتیجه نرسیده است.

بررسی و اظهار نظر مشورتی

ماده (۲)

۱. به موجب صدر این ماده مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها بر عهده شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده است.

مسئله قابل تأملی که در خصوص حکم فوق وجود دارد این است که در «سیاست‌های کلی بخش پدافند غیر عامل» ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ

۱۳۸۹/۱۱/۲۹ علاوه بر ذکر جهت گیری و خط مشی نظام در زمینه پدافند غیرعامل و لزوم رعایت برخی از ضوابط و اصول در این زمینه، در بند «۱۳» این سیاست‌ها «ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین نامه های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها» را پیش بینی نموده است.

از سوی دیگر براساس سایر بندهای این سیاستها از جمله ذیل بند «۹» که تعیین حریم لازم جهت برخی تأسیسات را مقرر داشته است،^(۱) تعیین حریم حفاظتی را می توان از جمله امور مربوط به پدافند غیرعامل محسوب نمود. بنابراین با توجه به بند «۱۳» سیاستهای کلی نظام در بخش پدافند غیر عامل لازم است مرکزی جهت پدافند غیرعامل از جمله تعیین حریم های امنیتی ایجاد شود و اعطا صلاحیت مذکور در این ماده جهت تعریف و تعیین رده های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها با توجه به اینکه از جمله امور مربوط به پدافند غیرعامل می باشد به شورای عالی امنیت ملی مغایر این بند از سیاستهای کلی نظام در بخش پدافند غیرعامل بوده و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

۲. بر اساس ذیل ماده (۲)، شورای عالی امنیت ملی می تواند مسئولیت مقرر در این ماده را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری، به ستاد کل نیروهای مسلح یا کشوری، به شورای امنیت کشور محول نماید. در این رابطه نیز بر فرض اینکه صدر ماده مبنی بر صلاحیت شورای عالی امنیت ملی فاقد ایراد باشد، محدود نمودن این شورا به تفویض اختیار صرفاً

۱. بند «۹»: ممانعت از ایجاد تأسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بردن این گونه تأسیسات از شهرها و پیش بینی تمهیدات ایمنی برای آن دسته از تأسیساتی که وجود آنها الزامی است و ممانعت از ایجاد مراکز جمعیتی در اطراف تأسیسات پرخطر با تعیین حریم لازم.

به ستاد کل نیروهای مسلح و شورای امنیت کشور بویژه با توجه به اینکه مصوبات شورای عالی امنیت ملی به تأیید رهبر معظم انقلاب خواهد رسید، مغایر صلاحیت شورای عالی امنیت ملی بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی است.

ماده (۳)

در صورتی که صلاحیت و مسئولیت شورای عالی امنیت ملی در ماده (۲) را فاقد ایراد بدانیم حکم مذکور در ذیل این ماده نیز فاقد ایراد به نظر می‌رسد. اما در صورتی که صلاحیت شورای عالی امنیت ملی در ماده (۲) را مورد ایراد قرار بدهیم این ماده نیز مبتنی بر ایراد وارده به ماده (۲) واجد ایراد است.

ماده (۴)

به موجب این ماده «در مواردی که ایجاد حریم امنیتی مصوب مستلزم ساخت و ساز و یا اعمال برخی محدودیت‌ها در استفاده از زمین و تراکم‌های ساختمانی باشد موضوع برای اصلاح و تطبیق ضوابط و اعمال آن حسب مورد به مرجع قانونی ذی ربط ارجاع می‌شود.»

حال در صورتی که ایجاد حریم امنیتی مستلزم کاهش تراکم ساختمانی و یا محدودیت در استفاده از ابنیه زمین گردد و یا ساختمانی در محدوده حریم مزبور وجود داشته باشد که در صورت تعیین حریم، تراکم مزبور می‌بایست کاهش یابد (به عنوان مثال پنج طبقه از یک ساختمان ده طبقه می‌بایست تخریب گردد)، از جهت اینکه نحوه جبران حقوق اشخاص مشخص نشده است. مغایر اصل ۴۷ قانون اساسی است.

ماده (۵)

۱. این ماده به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده برای برقراری امنیت به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص حسب موازین قانونی و آئین نامه اجرایی این قانون اقدام نمایند.

در این خصوص با توجه به اینکه به دستگاه های اجرایی اجازه داده بر حسب **آئین نامه اجرایی** نسبت به املاک مجاور اقداماتی را انجام نمایند و صرفاً تحدید حقوق مالکانه را از شمول اقدام خود خارج نموده است و این اقدامات می تواند منجر به تعرض و تحدید سایر حقوق اشخاص (به جز حقوق مالکانه) بر اساس آئین نامه اجرایی شود مغایر اصل ۲۲ قانون اساسی مبنی بر مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مگر در مواردی که قانون تجویز کند می باشد و لذا با توجه به اینکه هرگونه تعرض به حقوق افراد بر اساس این اصل صرفاً می بایست به موجب قانون باشد و این ماده آن را به آئین نامه اجرایی تفویض نموده است، علاوه بر مغایرت با اصل ۲۲ مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی مبنی بر منع تفویض قانونگذاری نیز است.

۲. به موجب تبصره این ماده اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی ناقض امنیت اماکن مورد نظر نباشد با رعایت الزامات آئین نامه اجرایی این قانون بلامانع دانسته شده است.

با توجه به اینکه «اسکان و اشتغال» اشخاص از جمله ی حقوق آنها می باشد که تعرض به آن صرفاً به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی باید به موجب قانون صورت گیرد و این تبصره **الزامات آئین نامه اجرایی** را در این خصوص لازم شمرده است، مغایر اصل ۲۲ قانون اساسی است.

علاوه بر این محدودیت اسکان اشخاص به موجب آئین نامه اجرایی به دلیل اینکه بر اساس اصل ۳۳ قانون اساسی «هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یابه اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.» مغایر این اصل از قانون اساسی نیز است.

همچنین محدودیت مزبور از این حیث که می بایست به موجب قانون مشخص گردد، تفویض آن به آئین نامه اجرایی مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد.

ماده (۶)

مطابق ذیل این ماده دستگاه های اجرائی مربوط مکلف شده اند حقوق متعلقه اعلامی مورد نظر را به قیمت روز حداکثر **ظرف هیجده ماه** پرداخت نمایند. در حالیکه بر اساس تبصره «۱» همین ماده مقرر شده تملک و تصرف املاک مذکور پس از **پرداخت نقدی** حقوق مالکانه به قیمت روز امکان پذیر است.

حال باتوجه به این احکام مشخص نیست منظور از قیمت روز در این ماده و تبصره آن، قیمت روزی است که ملک ارزیابی و تقویم شده و بعد از آن دستگاه ظرف هیجده ماه بعد، آن را پرداخت می نماید و یا قیمت روز پرداخت نقدی است (یوم الاداء). لذا ذیل ماده (۶) از این حیث واجد ابهام است.

ماده (۷)

براساس تبصره این ماده دستگاه های اجرایی موظف شده اند ظرف مهلت دو ماه در خصوص استعلام شهرداریها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت با تغییر کاربری می باشند اعلام نظر نمایند.

تذکر: مسئله ای که در این ارتباط وجود دارد این است که تبصره مذکور مشخص نموده در صورتی که دستگاه های اجرائی صاحب حریم ظرف مهلت مزبور پاسخ ندادند حقوق اشخاص چه وضعیتی خواهد داشت. به عبارت دیگر معلوم نیست عدم ارائه پاسخ به منزله موافقت می باشد و یا خیر.

ماده (۸)

تذکر: بر اساس تبصره ماده (۸) «دولت موظف شده است در اجرای این قانون بودجه لازم را ذیل اعتبارات دستگاه تأمین کند»
در این خصوص دو نظر وجود دارد، بر اساس نظر اول، حکم این تبصره مغایرتی با قانون اساسی ندارد.
به موجب نظر دیگر، با توجه به اینکه تبصره مزبور دولت را مکلف به تدوین بودجه به نحو خاصی نموده است می‌تواند مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی محسوب شود.

علاوه بر نکات و مسائل فوق به نظر می‌رسد با توجه به اینکه احکام مقرر در این قانون شامل موقوفات نیز می‌باشد، واجد ایراد است.

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل مابقی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
رایینا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلو گیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir